

سنگ نوشته بقعه مالک، گمشده مکتوب

چکیده

آرامگاه‌ها و بقعه‌هایی که در سراسر سرزمین‌های اسلامی در ادوار مختلف ساخته شده‌اند از نمونه‌های خاص اسناد و داشته‌های فرهنگی جوامع مختلف‌اند که ناگفته‌های بسیاری برای گفتن دارند. در این مقاله به بررسی یکی از این آرامگاه‌های به جا مانده از دوران اسلامی، معروف به بقعه مالک، می‌پردازیم.

این بقعه یکی از بناهای تاریخی شهرستان سنقر کلبایی است که در طی سالیان گذشته نظر محققان را به خود جلب کرده است، چرا که هنوز نتوانسته‌اند تاریخی دقیق برای آن ذکر کنند و به دلایلی بس محدود بسنده کرده‌اند؛ اگر هم تاریخی برای آن ذکر شده است براساس شکل ظاهری یا نمونه‌ی تطبیقی آن بوده نه دلایلی متقن و غیرقابل انکار. این امر موجب بررسی‌های کلی و جزئی این بنا شده است.

در این جستار سعی شده با توجه به موارد جزئی و کلی این بقعه شامل: ساختار آرامگاهی بقعه و آجرکاری؛ تزیینات به‌کار رفته و نوع ویژگی پلان سردابه، بررسی سطحی از تپه که بقعه مالک بر روی آن قرار گرفته است، تحلیل استخوان‌ها و تابوت‌های به دست آمده، شناسانده شود. همچنین آثار منسوب به بقعه مانند یک کتیبه‌ی سنگی که در طی سال‌های اخیر در اطراف تپه بقعه مالک یافت شده و سند مهمی در معرفی این بقعه است برای نخستین بار بررسی شود.

واژگان کلیدی: معماری آرامگاهی، بقعه مالک، کتیبه سنگی، آجرکاری، دوره سلجوقیان

موقعیت مکانی بنا

«بقعه مالک در عرض جغرافیایی ۰۵ ۴۷۰ ۳۴۰ N، طول جغرافیایی ۳۲ ۳۵ ۴۷۰ E و ارتفاع ۱۸۶۲ متری از سطح دریا، در ۳۰۰ متری ضلع شمال غربی میدان آیت‌الله سعیدی شهرسنقر و بر روی تپه‌ای واقع در قسمت غربی شهر قرار دارد؛

این بقعه در عُرُف محل به مالک معروف است. از نظر وضعیت توپوگرافی، تپه‌ی مذکور دارای شیب نسبتاً تند بوده و سطح آن را دور تا دور درختان کاج پوشانده است. وضعیت کلی جغرافیایی و توپوگرافی تپه و نمای کلی و پلان بنای بقعه در (کروکی شماره‌ی ۵- A) و در تصاویر شماره‌ی ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱، در نمای چهارجهت اصلی تپه نشان داده شده است) بهترین راه دستیابی به تپه از طریق خیابان (کمربندی) شن‌ریزی شده است که در ضلع جنوب شرقی تپه قرار دارد. از نکات مهم و جالب توجه، وجود راه‌ها و جاده‌های خاکی و آسفالت متعددی است که در پای تپه مالک به چهار سمت اصلی کشیده شده است.» (حیدریان، ۱۳۸۳، ص ۱۳۹) شاید مشرف بودن این تپه بر راه‌های مذکور که هر کدام از آنها به شهر منتهی می‌شده‌اند دلیل انتخاب محل ساخت این بنا بوده است. از طرف دیگر از نظر بافت شهری بقعه مالک در نقطه شرقی شهر قرار گرفته است که از دیدگاه تاریخی قدیمی‌تر از نقاط دیگر شهر به نظر می‌رسد.

این بقعه با توجه به اسناد و شواهد معماری و تاریخی به دورانی برمی‌گردد که شهرستان سنقر کلبایی و شهر دینور دارای ارتباطات و



بقعه مالک در سال ۱۳۸۶

مربوط به دوره‌های جدیدتر می‌داند. (کیانی، ۱۳۸۶، ص ۹۹) و (عقابی، ۱۳۷۸، ص ۳۱۰)

محمد علی مخلصی نیز در مقاله‌ای اشاره کرده‌اند: «پاره‌ای از باستان‌شناسان بقعه مالک را از آثار اواخر دوره تیموری می‌دانند ولی پلان بنا و وجود سردابه و چگونگی تبدیل طرح هشت‌ضلعی گنبد داخلی به طرح دایره، ساخت بقعه را در دوره‌ی سلجوقی مسلم می‌سازد. به خصوص اینکه مشابهت پلان بنا با بقعه خواجه اتابک کرمان و مشابهت کاربندی‌های برج سلجوقی سمیران با این بنا بر این مدعا مهر تایید می‌گذارد» (مخلصی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸) فیروزیان و گلزاری هم این بنا را به دوره‌ی سلجوقیان نسبت داده‌اند. (گلزاری و فیروزیان، ۱۳۵۰، صص ۱۹۴، ۱۹۵)

توصیف کلی بنا

بقعه مالک از دیدگاه معماری یکی از معماری‌های شناخته شده‌ی دوره اسلامی است «بقعه‌ای است آجری و دارای گنبدی دوشاخه که پوشش روی آن ریخته است» (مخلصی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۸) در حال حاضر پوشش زیرین به عنوان پوشش و سقف گنبدی بنا به کار می‌رود و در سه ضلع این گنبد شیروانی‌های سنگی به کار رفته است که زیبایی دوچندان به گنبد و شکل خاص آن بخشیده است. این بقعه براساس ویژگی‌های معماری خود در فهرست سبک‌های ایرانی قرار می‌گیرد و براساس خصوصیاتش چون، «آجرهای به کار رفته، و هشت ضلعی بودن بنا و سردابه هشت ضلعی در ردیف شیوه‌های رازی قرار می‌گیرد» (پیرنیا، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶) استفاده از آجر در تزئین تاقنماها، لچکی‌ها، و استفاده از آجرهای لعاب‌دار در سردر ورودی این بنا، استفاده از سنگ لاشه‌های بسیار محکم و بادوام در ساخت کرسی سردابه که اساس این بقعه بر روی همین کرسی است همه و همه نشان از معماری سلجوقی دارد. معماری که با نام استحکام، زیبایی و آمیختگی با تفکر انسانی معروف است. تزئینات آجری خاص دوره‌ی سلجوقی که به شکلی ساده

شهرت فرهنگی خاص بودند و به اصطلاح در حوزه‌ی اقلیمی یا مناطق ایالت جبال قرار می‌گرفته‌اند که این «اقلیم و مناطق در منابع تاریخی و جغرافیایی اسلامی به مناطقی اطلاق می‌شود که قسمتی گسترده از شمال عراق و غرب ایران را در بر می‌گرفت و شامل مناطقی چون شهر زور، دینور، حلوان، قرم‌سین (کرمانشاه) و همدان و ری بوده و در بعضی اوقات آن را عراق‌العجم می‌نامیدند» (روژیانی، ۱۳۸۳، ص ۱۱) با این توصیف از نظر جغرافیایی می‌توان شهرستان سنقرکلیایی را قسمتی از این ناحیه و بقعه مالک را نماد و نشانه‌ای محلی از این حوزه جغرافیایی تاریخی برشمرد.

پیشینه پژوهش

بقعه مالک بقعه‌ای هشت ضلعی است که با شماره ۷۶۷ در کارنامه بناهای تاریخی ایران در سازمان اسناد و مدارک کل کشور به ثبت رسیده است. این بنا برای نخستین بار توسط کارشناسان سازمان فرهنگ و هنر سابق در سال ۱۳۴۶ مورد بررسی و کاوش قرار گرفت که در طی این مطالعات، در سردابه‌ی آجری و بندکشی شده‌ی این بقعه ۲۵ تابوت چوبی که روی هم گذاشته شده بود، کشف شد. به هنگام کشف این تابوت‌ها اهالی شهرستان به کارشناسان سازمان کمک می‌کنند و تابوت‌ها را از سردابه بیرون می‌آورند. به نقل از همان افرادی که در محل حضور داشته‌اند تابوت‌ها بعد از عکس‌برداری به داخل سردابه برگردانده می‌شود. متأسفانه گزارشی از این عملکرد سازمان در هیچ کجا ثبت نشده است، به جز چند عکس موجود در سازمان اسناد و مدارک کل کشور که در این تحقیق به چاپ رسیده است.

بعد از این ماجرا بقعه مالک مورد توجه محققانی چون محمد یوسف کیانی، محمد علی مخلصی، فیروزیان و مسعود گلزاری که هر کدام در طی سالیان گذشته به بررسی نوع معماری آن پرداخته‌اند، قرار می‌گیرد. محمد یوسف کیانی این بقعه را براساس شباهتی که با بقعه حقوق نبی دارد به دوران سلجوقی نسبت داده. و اجساد داخل سردابه بقعه را

و قابل فهم در بقعه‌ی مالک به کار رفته نشانگر همه‌ی توصیفات و ویژگی‌های معماری سلجوقی است.

معماری آرامگاهی

هیلن براند «ریشه پیدایش آرامگاه را با توجه به جغرافیای تاریخی در برخی از شهرهای سوریه می‌داند که از فرهنگ باستانی و مسیحی اشباع شده بود. با توجه به این فرهنگ آرامگاه‌ها دارای جایگاه والایی بودند و هدف اصلی این آرامگاه‌ها جمع کردن عده‌ای از عبادت‌کنندگان نبود بلکه گرمای داشتن یاد و خاطره شخص یا رویدادی بود که انتظار می‌رفت فقط در سالگرد آن واقعه، مردم در آنجا جمع شوند. در غیر این صورت تنها رفت و آمد زائرین پاسخگوی نیاز بود که این موضوع از ویژگی‌های تقریباً پیش‌بینی ناشدنی آرامگاه‌ها به شمار می‌رفت. این آیین یادبود، سوریه و بیزانس در قرن چهارم میلادی باعث شکوفایی ساخت و ساز گردید، به گونه‌ای که چهره کشور دگرگون شد و حتی در زمان اعراب نیز این حرکت متوقف نگردید.» (هیلن براند، ۱۳۷۷، صص ۳۱۶ و ۳۱۷) بعدها روند آرامگاه سازی به حدی می‌رسد که «آرامگاه بخشی از یک بنا عمومی می‌گردد. با این کار، آرامگاه به شکلی موثر، رنگ تقدس می‌گرفت و این پاکی دقیقاً متعلق به مسجد، مدرسه، رباط، یا دیگر بناهای مذهبی بود که در مجاورت آرامگاه قرار داشت. چنین بناهای عمومی نخست به تعداد بی شماری در دوران سلجوقی به ثبت رسیدند.» (هیلن براند، ۱۳۷۷، صص ۳۱۹) با توجه به نکاتی که در مورد آرامگاه‌های سلجوقی ذکر شد و تطبیق این موارد با بقعه مالک و ارتباط این بقعه با دوره‌ی سلجوقیان بی‌گمان بقعه مالک بنایی است که در دوره سلجوقیان مورد توجه بوده و از دیدگاه کاربری بیشتر جایگاه یادبودی داشته و نه زیارتی. مسلماً نوع یادبودی بودن آن تا به امروز حفظ شده است چرا که اگر کاربری مذهبی داشت مانند بقعه حقیوق نبی در تویسرکان ویژگی زیارتی خود را حفظ می‌کرد در حالی که امروزه نه به عنوان یک مکان مذهبی در اذهان بومیان منطقه، که مکانی فراموش شده برای مردم شهرستان سنقر کلیایی است.

کتیبه سنگی

با این اوصاف به تازگی در طی مرمت‌های میراث فرهنگی شهرستان سنقر کلیایی بر روی بقعه و فضای پیرامون بقعه سنگ نوشته‌ای یافته شد که متأسفانه به صورت شکسته و ناقص بود و دارای نوشته‌ای به خط کوفی اسلیمی‌دار که وجود این سنگ نوشته برای بیان واقعیت کاربری بقعه موثر واقع شد.

این سنگ‌نوشته که هم اکنون در اداره میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان سنقر کلیایی حفظ و نگه‌داری می‌شود، دارای اندازه‌های ۴۲ × ۶۰ cm و از جنس سنگ مرمر سفید است که شامل دونوشته در طرفین راست و چپ می‌باشد که مخالف جهت یکدیگر یکی به طرف بالا و دیگری به طرف پایین نوشته شده است. از ویژگی‌های دیگر این سنگ نوشته وجود یک سطح برجسته نسبت به نوشته و با تراشی بسیار عالی است که بر روی این برجستگی بخشی از یک طرح زیبا را می‌توان دید. این طرح به احتمال قوی دارای تقارن بوده و در طرف دیگر سنگ نوشته عیناً تکرار شده است که متأسفانه از طرف دیگر سنگ اثری در دست نیست.



سنگ‌نوشته بقعه مالک

با این حال نوشته‌های به کار رفته در اصل دو آیه انتخابی از سوره آل عمران است که به صورت خط کوفی اسلیمی بر روی سنگ نوشته حجاری شده است. طرح‌هایی از این دو آیه با توجه به نوع حجاری به کار رفته واصل آیه که احتمالاً به صورت کامل بر روی سنگ نوشته ارائه شده بوده است و ترجمه آیه در دو بخش اول و دوم، به ترتیب زیر نگاشته شده است:

بخش اول: که برگرفته از آیه (۱۸) سوره آل عمران است به صورت زیر با خط کوفی طراحی و بازسازی شده است



«الْمَلَأْنَهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

اصل آیه (۱۸) آل عمران و ترجمه آن :

«شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱۸)»

خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و فرشتگان او و دانشوران نیز گواهی می‌دهند که جز او که توانا و حکیم است هیچ معبودی نیست»

بخش دوم که برگرفته از آیه (۱۹) سوره آل عمران است به صورت زیر با خط کوفی اسلیمی طراحی و بازسازی شده است



«اختلف الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم»

اصل آیه (۱۹) آل عمران و ترجمه آن :

«إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ (۱۹)»

در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شده با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل آمد آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت و هر کس به آیات خدا کفر ورزد پس بداند که خدا زودشمار است»

به احتمال این سنگ نوشته به صورت ایستاده استفاده می‌شده و بازدیدکنندگان می‌توانستند به راحتی آیه‌های نوشته شده بر روی آن

را بخوانند. این آیه‌ها در ارتباط با هم هستند و غرض حکاک از بالا و پایین‌نویسی این آیه‌ها به یقین بیان همین ارتباط بوده است. ارتباط این دو آیه از نظر فحوای کلام با خود این سنگ نوشته و بقعه مالک در خورتامل و تفکر است و فرد سازنده بقعه با انتخاب این دو آیه از قرآن کریم سعی در توصیف افراد متوفی بقعه داشته و مسلم است چنین جمله‌ای معمولاً برای سنگ قبرهای معمولی استفاده نمی‌شده است. به خصوص اینکه این فحوای کلامی را نیز می‌توان با یافته شدن تابوت‌ها در ارتباط دانست، مسلماً این نوشته با نیت قبلی و با توجه به زمینه فکری فرد سازنده بنا که دستور حک آیه‌های قرآن کریم را برای این کتیبه سنگی داده است مرتبط می‌باشد، به گونه‌ای که شایسته‌ی شأن و مرتبه این بقعه و افراد متوفی در آن باشد.

بنابراین با توجه به این کتیبه و درک معنایی که می‌توان از آن داشت می‌توان این گونه استنباط کرد که این کتیبه ارتباط تنگاتنگی با بقعه مالک دارد و مطمئناً در شرح ۲۵ تابوت پیدا شده در برابر بقعه مالک منظور شده بوده است. احتمالاً این بقعه مربوط به بزرگان و عالمانی بوده است که در طی اختلافات قومی و قبیله‌ای یا اختلافات مذهبی و اعتقادی یا در طی جنگی که رخ داده بود در گذشته یا کشته شده‌اند و به پاس احترام شأن و مرتبه‌ی این بزرگان و صاحبان علم این بقعه برای آنان ساخته شده است. به یقین فردی که دستور حک این کتیبه را داده است این عالمان را در حد بزرگان دین می‌دانسته که چنین آیه‌ای را از قرآن کریم برای متوفیان انتخاب کرده است. با توجه به آنچه گفته شد بقعه مالک نمی‌توانسته کاربری جز کاربری یادبودی داشته باشد. این سنگ‌نوشته سندی است که این موضوع را از آن می‌توان دریافت.

خط به کار رفته در این سنگ‌نوشته از خطوط کوفی تزیینی است، خطی که برای کتابت کلام‌الله مجید مورد استفاده قرار گرفته است «و حتی زمانی که خط کوفی به عوض کتابت قرآن مجید در کتیبه‌ها یا خطوط تزیینی به کار می‌رفت قالب آن عموماً افقی یا دارای چارچوب و قالب کشیده بود» (گرومن، ۱۳۸۳، ص ۷) ویژگی که سفارش‌دهنده به آن واقف بوده و نوع خط تزیینی را برای نگارش آیات کلام‌الله مجید استفاده کرده است.

خط کوفی تزیینی به کار رفته در این سنگ‌نوشته را می‌توان به دوره سلجوقی استناد کرد. زیرا همان گونه که می‌دانید «از جمله ممیزات دوره سلجوقی تجدد و تطوری است که در کتابت پدید آمده در این دوره علاوه بر به کار بردن خط کوفی که با گل و بوته زینت می‌یافت به این وسیله حروف آن به یکدیگر متصل می‌شد» (محمد حسن، ۱۳۶۶، ص ۱۴) ویژگی خاصی که این سنگ نوشته دارا بوده و می‌تواند ما را به دوره سلجوقی رهنمون سازد و اگر این تاریخ را در مورد این سنگ نوشته صحیح و قابل استناد بدانیم تاریخ ساخت بقعه مالک با توجه به این سنگ نوشته به یقین بی‌ارتباط با دوره سلجوقی نخواهد بود.

نما و تزیینات بیرونی

از نظر موقعیت مکانی بقعه می‌توان گفت، بنا در سمت غرب تپه ساخته شده و در ورودی آن روبه شمال است و اندازه‌ی آن ۱/۵ متر به شکل طاق نمای کوچکی بر روی آزاره سنگی تازه احداث است تا فرد هنگام ورود خم شود. چهارطاق نمای قوس جناغی هشت ضلع را در دیگر جوانب

به هم پیوند می‌دهد و در سمت غرب و شرق بنا در زیر این طاق‌نماها دو حفره هلالی برای روشنایی داخل بنا به کاررفته است.

ارتفاع هشت ضلع خارجی بنا از آزاره تا لبه‌های بام بقعه ۵ متر است. این آزاره تازه‌ساز سنگی از کف آجر فرش شده تا قسمت آجری ۱/۵ متر بلندی دارد که دور تا دور بنا را به خود گرفته این آزاره در عکس قدیم به (شماره ۳۲۷) دیده نمی‌شود در حالی که در عکس (شماره ۳۲۰) وجود دارد که در مرمت‌های سال ۶۰ و ۵۹ به قسمت‌هایی از بنا اضافه شده است. این آزاره نشان می‌دهد که زمانی بقعه مالک از نظر معماری خارجی دارای یکپارچگی ساخت از گنبد تا نقطه کف بقعه بوده است و در طی مرمت این نقطه ضعف بقعه مرمت شده و با ایجاد این سنگ‌ها به عنوان آزاره بقعه از ریزش بیش از اندازه بقعه جلوگیری به عمل آمده است.

نیارش استفاده شده در بنای خارجی عبارت است از: آجر، ملات گل



بقعه مالک در سال ۱۳۴۶

گچ و سنگ خرد شده، آجرهای لعاب دار فیروزه‌ای پررنگ در سردر ورودی و دو ضلع طرفین راست و چپ سر در ورودی، سنگ‌های به کار رفته در آزاره و سنگ سفید شیروانی و ... که همه این مصالح به کار رفته نشان دهنده‌ی استفاده سازنده بنا از مصالح بوم آورد منطقه است.

همان گونه که می‌دانید در شیوه رازی، ساختمان از بنیاد و پای بست با ساختمانی مرغوب برپا می‌شد و آجرهای کوچک و بزرگ و نازک و سبترنمای آن را می‌آراست. یکی از ساختمانی‌های مهم در این شیوه آجر پیش‌بر است که به گونه سفال لعاب‌دار یا بی‌لعاب به کار می‌رفته است. البته «کاربرد آن از زمان ایلامیان باب بود و آن را نگهدارنده نمای ساختمان می‌دانستند» (پیرنیا، ۱۳۸۳- ص ۱۶۵) با این وصف می‌بینیم که در بقعه مالک همه‌ی این موارد به کار رفته است به خصوص آجر پیش‌بر و ساختمانی مرغوب که تا امروز هم‌چنان به عمر هشت صد ساله خود

ادامه می‌دهد. بقعه مالک با داشتن در ورودی سردابه و در ورودی بنا دارای یک مزیت معماری منحصر به فرد است. در ورودی سردابه بعد از کشف تابوت‌ها و استخوان‌ها مسدود شده ولی با نگاه انتزاعی به پلان هشت ضلعی سردابه می‌توان اضلاع و پایه‌های مستحکمی را تصور کرد که توانسته بار این بنا را تحمل کند به خصوص اینکه این پی یا فونداسیون بنا بر روی قسمت سنگی تپه ساخته شده است و بی‌گمان توانسته استحکام این بنا را چند برابر کند

نما و تزئینات داخلی

از موارد قابل توجه نما و تزئینات داخلی بقعه، نورگیرها هستند که اساس ایجاد این نورگیرها جدای از روشنایی بخشیدن به داخل بقعه نشان از آگاهی معمار از معماری اقلیمی و جغرافیایی منطقه دارد. سازندهی بقعه نحوه‌ی وزش باد را در شهرستان مورد بررسی قرار داده و نورگیرها را دقیقاً در سمتی قرارداده است که در برابر وزش باد قرار بگیرد و آن خنکی و تنوع هوایی و روشنایی کافی را در بقعه فراهم سازد؛ کف بنا یا سقف روی سردابه آجرچین است. پایه‌ها و اضلاع هشت ضلعی با لچکی‌ها سوار شده بر اضلاع وجود زیبایی خود را به اثبات می‌رسانند. این لچکی‌ها و طاق نماهای قوس جناغی فاصله میانی طاق‌ها و گنبد را که نزدیک یک متر است با آجرهای طاق‌نمای تزئینی که گرد این فضا را به زیبایی تزئین کرده‌اند روبه رو ساخته‌اند. در خاتمه با گنبد آجری تک پوش روبه رو هستیم که با ظرافت تمام آجرهای آن در کنار هم نشانده شده است. در چند سال گذشته زنجیری از این گنبد آویزان بود که متأسفانه از آن زنجیر خبری نیست.

نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق ارائه شد معرفی بقعه مالک و بیان و بررسی نقایص و کاستی‌هایی آن بود. لازم است به این نکته اشاره کنم که معماری سلجوقی با تمام زیبایی و مهارت‌های که در آن به کار رفته است به عنوان معماری وارسته جایگاهی بس رفیع دارد که نباید آن را اندک شمرده و بناهایی چون بقعه مالک را که یادگاری از این دوران هستند به فراموشی سپرد؛ این وارستگی و هنر سلجوقی ریشه در فرهنگ‌ها و تفکرات و فلسفه‌های فکری دارد که در این نوع معماری خاص خلاصه شده است؛

تزئینات به کار رفته به خصوص «استفاده از آجر به منظور ساختمان و همچنین استفاده‌های تزئینی از آن، در جهان اسلامی قرون وسطی به مراتب اصلی‌تر از استفاده از سنگ است. منشاء اهمیت و تکامل این سبک آجرکاری تزئینی هنوز تا حدودی حالت معما دارد» (هیل و گرابر، ۱۳۷۵، ص ۱۰۲) از این رو با توجه به نکات بیان شده این امری واضح و قابل لمس است که اگر بقعه مالک منشاء معماگونه دارد از آن رو است که خود آجرکاری دارای معما است و هنوز آن‌گونه که باید شناخته و مورد بررسی قرار نگرفته است «تا جایی که در دو برج خرقان قزوین بیش از سی نوع آجرکاری همراه با طاق‌نما سازی بسیار زیبا و خط‌های آجری کوفی برجسته و در مسجد جامع اصفهان نزدیک به ۳۷۵ طاق پوش در انواع گوناگون که قسمت اعظم آن از دوره سلجوقی است با کاربرد حدود صد نوع گلچینی‌های آجری که چشم هر بیننده مطلع را عمیقاً به خود جذب می‌کند به واقع روح و روان انسان مشتاق و هنردوست را به تسخیر

باطن اجرا از نقش‌ها و طرح‌ها می‌کشاند.» (زمرشیدی، ۱۳۸۴، ص ۱۷) با این تفاسیر می‌توان گفت بقعه مالک بقعه ای است آجری که کمتر مورد توجه قرار گرفته و با توجه به آجرهای بی‌مانندش به دوره‌ی سلجوقیان برمی‌گردد و مطمئناً با یافته شدن سنگ نوشته‌ای که از آن سخن گفته شد جای تردید نمی‌ماند که بقعه مالک را مربوط به دوره‌ی سلجوقی بدانیم.

منابع:

- ۱- حیدریان، محمود. مقاله مستندسازی و شناسایی آثار باستانی شهرستان سنقر کلیایی، اطلاعات آرشیوی سازمان میراث فرهنگی، کرمانشاه تابستان ۱۳۸۳.
- ۲- روژبیانی، محمد جمیل. شهرتاریخی دینور و دانشمندان نامی آن، ترجمه‌ی فیروزحسن عزیز، انتشارات کرمانشاه ۱۳۸۳
- ۴- کیانی، محمد یوسف. معماری ایران دوره اسلامی، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۶.
- ۵- کیانی، محمد یوسف، معماری ایران (دوره اسلامی) جلد دوم، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۸
- ۶- مخلصی، محمدعلی. چکیده مقالات همایش باستان شناسی ایران: حوزه غرب (مقاله بقعه مالک یادمانی از دوره سلجوقی)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمانشاه ۱۲-۱۰ آبان ۱۳۸۵.
- ۷- گلزاری، مسعود فیروزیان، سهراب. کرمانشاهان باستان، تهران: انتشارات فرهنگ و هنر، ۱۳۵۰.
- ۸- پیرنیا، محمدکریم. سبک‌شناسی معماری ایران، تدوین غلامحسین معماریان، تهران: انتشارات نشر معمار، ۱۳۸۳.
- ۹- پیرنیا، محمدکریم. معماری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سروش دانش، ۱۳۸۴.
- ۱۰- عقیابی، محمدمهدی. دایره‌المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی (بناهای آرامگاهی)، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی (حوزه هنری)، ۱۳۷۸.
- ۱۱- هیلن براند، رابرت. معماری اسلامی فرم، عملکرد و معنی، ترجمه‌ی دکتر ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران)، ۱۳۷۷.
- ۱۲- هیل، درک؛ گرابر، اولگ. معماری و تزئینات اسلامی، ترجمه‌ی مهرداد وحدتی دانشمند، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- ۱۶- زمرشیدی، حسین، معماری ایران (مصالح شناسی)، تهران: انتشارات آزاده، ۱۳۸۴.
- ۱۷- گرومن، آدلف، منشأ و توسعه ابتدایی کوفی گلدار، ترجمه‌ی مهناز شایسته فر، تهران: انتشارات مهاس، ۱۳۸۳.
- ۱۸- زکی، محمد حسن. تاریخ صنایع ایران (بعد از اسلام)، ترجمه‌ی محمد خلیلی، تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۶.
- ۱۷- اطلاعات آرشیوی سازمان اسناد و مدارک کل کشور
- ۱۸- اطلاعات آرشیوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری کرمانشاه
- ۱۹- اطلاعات آرشیوی فرمانداری شهرستان سنقر کلیایی
- ۲۰- اطلاعات آرشیوی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری شهرستان سنقر کلیایی